



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

«نقد»: در آستانه‌ی سال سوم



اسفند ۱۳۹۸

«نقد» همزاد خیزش‌های امروز است. دو سال پیش، چندین هفته پس از خیزش دی‌ماه ۹۶، پای در این راه نهادیم. حضور بر بستر یک جنبش اجتماعی جوشان و خروشان، هم‌پایی با خیزش‌های امروز و کار و تلاش، رو به افق انقلاب فردا، برای رسانه‌ای که وظیفه‌ی خود را کار و مبارزه‌ی نظری تعریف می‌کند و نقد را توأمانی روشنگری و ستیزه‌جویی می‌داند، چالشی است دشوار، اما سنجه‌پذیر.

دشوار است، زیرا:

- توان ما برای ارائه‌ی دیدگاه‌های گوناگون و گاه متناقض در قلمرو نظریه‌ی اجتماعی از راه ترجمه‌هایی تا سرحد امکان دقیق و سالم محدود است؛ افزایش شمار مترجمانی که علاقمند به انتشار آثارشان در «نقد» شده‌اند، بر این توان در سال دوم اندکی افزوده است.
- توان ما در تألیف متون نظری، واکاوی‌های جامعه‌شناختی و تاریخی به‌مراتب محدودتر است؛ از این روست وزنه‌ی کماکان سنگین ترجمه‌ها در تناسب با تألیفات. این دشواری بی‌گمان برکنار از ناتوانی نظریه‌پردازی در چپ به‌طور کلی نیست، اما نباید پیشرفت کُند تلاش ما در جذب همکاری و هم‌پایی‌های تازه و دسترسی به توان موجود را از دیده‌ها پنهان کند. در هر دو زمینه‌ی ترجمه و تألیف، هر دست تازه‌ای در برداشتن بار کار را به‌گرمی می‌فشاریم.
- «نقد» رسانه‌ی چپ، رسانه‌ای در قلمرو بسیار گسترده، گونه‌گون و پیچیده‌ی چپ انقلابی و انتقادی است، اما ارگان یا سخنگوی سازمان یا محفلی سیاسی نیست. نقد نظری گسستگی و پیوستگی اندیشه و کردار، عزیمت از جدایی‌ناپذیری نظریه‌ی انتقادی و انقلابی از امر سیاسی و خواست آگاهانه و عامدانه ایفای نقش در واقعیت اجتماعی زیست‌گاه «نقد»، انتظار مشروع موضعگیری‌های سیاسی صریح و «برنامه»‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، اما استواری و وضوح نسبی در مواضع سلبی و وسواس و ابهام نسبی در مواضع ایجابی، که منتج از درک «نقد» از بحران چپ است، نمی‌تواند به این انتظار به‌گونه‌ای رضایت‌بخش پاسخ دهد. این معضل مدت‌ها گریبانگیرمان خواهد ماند.
- فشار سنگین و خشونت‌بار سرکوب بر جنبش اجتماعی زنان و کارگران و دانشجویان و معلمان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران و دگراندیشان و همه‌ی مبارزان آزادیخواه، ما را مستثنی نمی‌کند. ما بیش از هر چیز باید با موانعی که این فشار بر سر راه شکل‌گیری و گسترش ارگانیک کار و مبارزه‌ی نظری می‌گذارد، دست‌وپنجه نرم کنیم. عبور از دهلیزهای سیاسی و امنیتی چنین وضعیتی آسان نیست و گاه به‌گاه ارائه‌ی پاسخ به همه‌ی پرسش‌ها – به‌ویژه پرسش‌های منتج از کنجکاوی‌های غیرضروری – را ناممکن می‌کند.

اما سنجه‌پذیر نیز هست، زیرا:

اجبار و فشاری ایدئولوژیک برای پرده‌پوشی نارسایی‌ها و ناکامی‌ها نداریم؛ برعکس، عیان‌بودن و شدت معضلات را چالشی برای خود و همه‌ی کسانی تلقی می‌کنیم که تلاش برای برطرف‌کردن آنها را در حوزه‌ی وظیفه و توان خود می‌دانند و می‌خواهند آستین‌ها را بالا بزنند. سال دوم کار نقد خوشبختانه شاهد چنین تجربه‌هایی نیز بوده است. امیدواریم شمار ناقدانی که داوطلب رفع کاستی‌ها هم هستند، افزون‌تر شود.

با این حال در سال دوم زندگی «نقد» در دو حوزه گام‌های رضایت‌بخشی برداشته‌ایم:

نخست: نمایش ضرورت وجود رسانه‌هایی تازه در قلمرو نقد اقتصاد سیاسی که محدودیت‌های سیاسی و ایدئولوژیک در مبارزه‌ی سیاسی و نظری علیه رژیم حاکم در ایران را ندارند و می‌توانند فضا و امکان جولان بازتری برای طرح دیدگاه‌های انقلابی، به‌ویژه در قلمرو گفتمان مارکسی و مارکسیستی، باشند. درحالی‌که در آغاز کار و در سال نخست فعالیت «نقد» با پرسش‌چرایی و ضرورت رسانه‌ای تازه روبرو بودیم، در طی سال دوم بسیار به‌ندرت ناگزیر از پاسخ به چنین پرسش‌هایی شده‌ایم.

دوم: پرهیز از پراکندگی و جنگ‌وارگی بی‌سامان. با تمرکز روی موضوعاتی که آگاهانه برگزیده شده‌اند، توانستیم کار متمرکز بر محور چنین موضوعاتی را با تولید و ارائه‌ی مجموعه‌هایی پیرامون خودمدیریتی کارگری و شکل سازمان‌یابی شورایی زیر عنوان «[شورا: شکل سیاسی سرانجام مکشوف](#)» و طبقات اجتماعی زیر عنوان «[طبقه و مبارزه‌ی طبقاتی: نقد مبانی نظری و جامعه‌شناختی](#)» به‌نحو کمابیش رضایت‌بخشی پیش ببریم. شروع کار پیرامون جامعه‌ی بدیل ([#جامعه‌ی بدیل](#))، گامی دیگر در همین راستاست که با پرداختن به موضوعات تازه، یا بازگشت و ژرفابخشیدن به موضوعات پیشین، ادامه خواهد یافت.

کارنامه‌ی سال دوم که زیر عنوان «[سالنامه ۱۳۹۸-۱۳۹۷](#)» عرضه می‌شود، گواه و گزارش کار ماست.